

راهبردهای افزایش سرمایه‌گذاری داخلی



تشکیل سرمایه ثابت ناچالص طی ده سال گذشته روند کاهشی داشته است؛ سرمایه‌گذاری خصوصی طی ۱۰ سال اخیر از ۱۱۴/۴ هزار میلیارد تومان به ۷۵/۷ هزار میلیارد تومان رسیده و افت محسوسی را تجربه کرده است، سرمایه‌گذاری دولتی نیز در سال ۱۳۸۸ ۴۱/۴ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است. عدم تحقق مخارج عمرانی دولت، کسری بودجه دولت و محدود شدن اعتبارات در دسترس بخش خصوصی، بی‌ثباتی اقتصادی و بالا بودن میزان ریسک و ناطمنانی در اقتصاد کشور، فقدان نگاه بلندمدت و دخالت عوامل سیاسی در مقوله سرمایه‌گذاری، افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و نداشتن استراتژی مشخص در سرمایه‌گذاری را می‌توان از مهم‌ترین دلایل افت سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های گذشته دانست. با توجه به نقش سرمایه‌گذاری در فرآیند تولید، تداوم شرایط کتونی مانع جدی برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار خواهد بود و به‌واسطه تأثیر منفی بر متغیرهای اقتصادی مانند تولید و اشتغال، تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی به شمار می‌آید. ازین‌رو، بهمنظور تغییر شرایط کتونی و بهبود روند سرمایه‌گذاری پیشنهادهای زیر ارایه می‌شوند: ۱- افزایش میزان تحقق بودجه عمرانی کشور، ۲- محدود کردن فعالیت‌های بخش غیرمولد، ۳- کاهش کسری بودجه، ۴- کنترل نوسانات نرخ ارز و تورم برای کاهش ریسک و ناطمنانی در کشور و ۵- ایجاد ثبات سیاسی در کشور.

سرمایه‌گذاری با توجه به تأثیر مثبتی که بر استغلال دارد، علاوه بر آثار اقتصادی، آثار اجتماعی و امنیتی مهمی برای کشور به همراه دارد. با این حال، وجود برخی مسایل و مشکلات مانند پایرگا بودن برخی قوانین و مقررات بازدارنده، ناکافی بودن بسترها و زیرساخت‌های فیزیکی، بالا بودن رتبه ریسک کشور در فعالیت‌های تولیدی، وجود ذهنیت منفی نسبت به وضعیت اقتصادی، ناکارآمدی نظام بانکی و تحریم‌های اقتصادی، باعث افت سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر شده است. هدف اصلی گزارش حاضر ارایه راهکارهایی برای افزایش سرمایه‌گذاری داخلی است که لازمه انجام این کار بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی، موانع و مشکلات بر سر راه سرمایه‌گذاری داخلی و دلایل افت آن در سال‌های اخیر است. ازین‌رو، در این گزارش،

در نظریه‌های اقتصادی از سرمایه‌گذاری به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی یاد می‌شود که لازمه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی و داشتن رشد اقتصادی پایدار است. از دیدگاه اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستمر، بستر لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم می‌کند. رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای به وجود زیرساخت‌های فیزیکی برای تولید و توزیع کالا و خدمات بستگی دارد و کیفیت و کارآیی زیرساخت‌ها بر تداوم فعالیت‌های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی مؤثر است. اهمیت افزایش سرمایه‌گذاری از آن جهت است که افزایش سرمایه‌گذاری از یک سو، افزایش سطح تقاضای کل را به دنبال دارد و از سوی دیگر، در میان‌مدت و بلندمدت گسترش ظرفیت تولیدی کشور را موجب می‌شود. علاوه بر این، افزایش

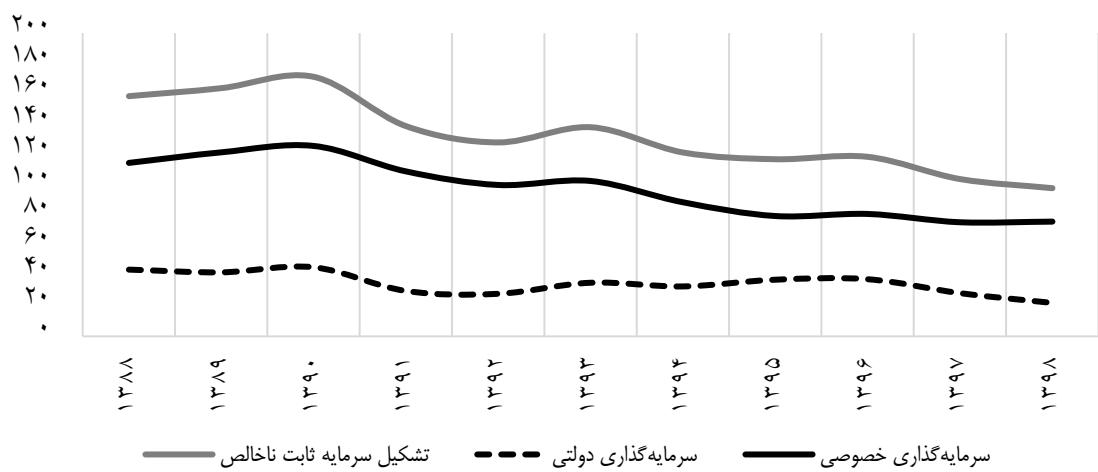
خصوصی را در یک دهه اخیر نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که روند کلی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی یک دهه گذشته کاهشی بوده، به طوری که میزان سرمایه‌گذاری کل در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۵۸/۴ هزار میلیارد تومان بوده، اما در سال ۱۳۹۸ این رقم به ۹۷/۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. با وجود روند نزولی سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی طی این سال‌ها، میزان کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی بسیار محسوس‌تر بوده است و با توجه به بیشتر بودن سهم سرمایه‌گذاری خصوصی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، دلیل عمدۀ کاهش سرمایه‌گذاری طی این سال‌ها به کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط می‌شود. سرمایه‌گذاری خصوصی طی ۱۰ سال اخیر از ۱۱۴/۴ هزار میلیارد تومان به ۷۵/۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. سرمایه‌گذاری دولتی نیز در سال ۱۳۸۸ معادل ۴۱/۴ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته که این، پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری دولتی در یک دهه گذشته است.

در بخش نخست، به بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های اخیر می‌پردازیم. در بخش دوم، مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری داخلی بیان می‌شود. در بخش سوم، به ملاحظات امنیت اقتصادی اشاره و در انتها، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارایه می‌شود.

۱- بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های اخیر

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصاد است که افزایش آن از یک سو، می‌تواند به افزایش تقاضای کل و رونق تولید در کوتاه‌مدت منجر شود و از سوی دیگر، به واسطه ایجاد ظرفیت‌های تولیدی، در بلند‌مدت با تقویت بخش عرضه اقتصاد، می‌تواند تضمین‌کننده رشد اقتصادی باشیم. با وجود اهمیت سرمایه‌گذاری و ضرورت آن برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است. نمودار شماره ۱، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری

نمودار ۱- تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، سرمایه‌گذاری دولتی و سرمایه‌گذاری خصوصی (هزار میلیارد تومان)

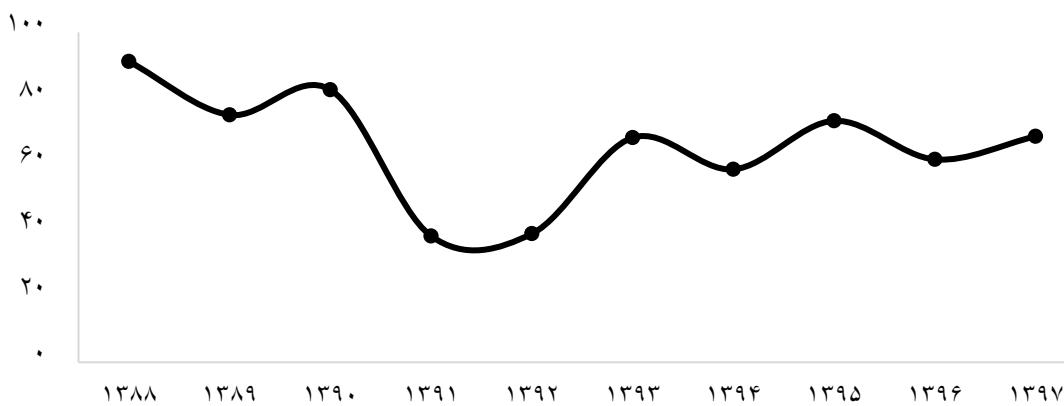


مأخذ: بانک مرکزی.

تحقیق پرداخت‌های جاری حدود ۹۵ درصد بوده است. در واقع، در سال‌هایی که دولت با مشکل تأمین مالی مخارج خود مواجه شده است ترجیح داده بیشتر از مخارج عمرانی بکاهد، البته، با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از هزینه‌های جاری مربوط به هزینه حقوق و دستمزد کارکنان بوده، دولت به‌نوعی ناچار به انجام این کار شده است. سرمایه‌گذاری دولت اغلب در زیرساخت‌ها صورت می‌گیرد که زمینه‌های لازم را برای تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی فراهم می‌کند. از این‌رو، عدم تحقق مخارج عمرانی دولت باعث کاهش سرمایه‌گذاری دولتی می‌شود که این موضوع به صورت مستقیم سرمایه‌گذاری کل را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، با توجه به نقش سرمایه‌گذاری دولتی در ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات فیزیکی، مانع برای حضور پررنگ‌تر بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و سرمایه‌گذاری می‌شود و از این‌رو، تأثیر منفی غیرمستقیم نیز بر تشکیل انباست سرمایه ناخالص خواهد داشت.

۲- برخی از مهم‌ترین دلایل کاهش سرمایه‌گذاری داخلی در سال‌های اخیر
روند نزولی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال‌های اخیر، تحت تأثیر کاهش سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی بوده است که در ادامه به برخی از دلایل اثرگذار بر ایجاد شرایط کنونی، اشاره می‌شود.
- عدم تحقق مخارج عمرانی دولت: یکی از دلایل کاهش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال‌های اخیر، عدم تحقق مخارج عمرانی بوده که کاهش سرمایه‌گذاری دولتی و به‌تبع، کاهش سرمایه‌گذاری کل را به همراه داشته است. نمودار شماره ۲، میزان تحقق بودجه عمرانی را در سال‌های گذشته نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که دولت در بیشتر سال‌ها در خصوص پرداخت اعتبارات عمرانی عملکردی متناسب با آنچه در مصوبه بودجه برای پرداخت‌های عمرانی در نظر گرفته شده، نداشته است، به‌طوری که متوسط درصد تحقق پرداخت‌های عمرانی طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۸۸ حدود ۶۳ درصد و میزان

نمودار ۲- درصد تحقق پرداخت‌های عمرانی



مأخذ: بانک مرکزی.

اعتبارات کافی همواره به عنوان یکی از مشکلات اساسی بر سر راه سرمایه‌گذاری وجود داشته است. در سال‌های

- کسری بودجه دولت و محدود شدن اعتبارات در دسترس بخش خصوصی: عدم دسترسی به



بررسی ترکیب منابع تأمین مالی در اقتصاد ایران حاکی از آن بوده که شیوه تأمین مالی در اقتصاد ایران بانک‌محور است. در سال‌های اخیر تقریباً ۸۱ درصد از تأمین مالی اقتصاد از طریق نظام بانکی صورت گرفته است، از این‌رو، ایجاد محدودیت در منابع بانکی برای ارایه تسهیلات به بخش خصوصی و افزایش هزینه تأمین مالی، تأمین مالی شرکت‌های خصوصی را با محدودیت جدی مواجه کرده و از این طریق می‌تواند آثار مخرب بیشتری بر سرمایه‌گذاری و تولید کشور بر جای گذارد.

- بی‌ثباتی اقتصادی و بالا بودن میزان ریسک و ناطمینانی در اقتصاد کشور: بی‌ثباتی اقتصادی در سطح کلان و ناطمینانی ناشی از آن که از مشخصه‌های اصلی اقتصادهای در حال توسعه است، می‌تواند آثار منفی بر سرمایه‌گذاری خصوصی داشته باشد. نرخ تورم بالا و نوسانات نرخ ارز از مهم‌ترین مشخصه‌های بی‌ثباتی اقتصادی و ناطمینانی در اقتصاد هستند که در سال‌های اخیر وجود این عوامل باعث شده است فضای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران با ناطمینانی و ریسک بالا همراه باشد که نتیجه آن، افت محسوس سرمایه‌گذاری خصوصی در یک دهه اخیر بوده است.

بخش عمده‌ای از واردات کشور مربوط به کالاهای سرمایه‌ای است که با توجه به وابستگی واردات به ارز، نوسانات آن تأثیر مستقیمی بر سرمایه‌گذاری دارد. با افزایش نرخ ارز، هزینه‌های سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و ممکن است بازده طرح سرمایه‌گذاری کاهش یابد و افراد را از سرمایه‌گذاری منصرف کند. علاوه بر افزایش نرخ ارز، وجود نوسانات نرخ ارز، باعث ایجاد ناطمینانی در تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی برای

اخیر، کاهش منابع درآمدی دولت به دلایلی مانند تحریم‌ها و کاهش فروش نفت، کسری بودجه را به همراه داشته که این مسئله باعث شده است دولت به‌منظور تأمین مالی کسری بودجه خود به استقراض از نظام بانکی اقدام کند که این موضوع حداقل دو اثر منفی برای اقتصاد به همراه داشته است:

۱- منابع قابل دسترس بخش خصوصی را محدود کرده است که می‌توان این مسئله را از اظهار نگرانی‌های فعلان بخش خصوصی (که به‌طور کلی این وضعیت در دهه اخیر ملموس است) از کمبود نقدینگی و تسهیلات برای بخش خصوصی ۲۵ (به‌رغم وجود رشد سالانه به‌طور متوسط بالای ۱۰ درصدی نقدینگی طی ۱۰ سال اخیر) مشاهده کرد.

۲- افزایش بدھی دولت به بانک‌ها، منابع بانک‌ها را برای ارایه تسهیلات کاهش داده و باعث استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی شده است. به دنبال این اتفاق، هزینه‌های تأمین مالی شامل نرخ سود و ریسک منابع بانکی، افزایش یافته که در نتیجه، هزینه تأمین مالی را در کشور افزایش داده است. در واقع، از آنجا که بانک‌ها بابت اضافه برداشت (استقراض) از بانک مرکزی، نرخ سود ۳۴ درصدی تحت عنوان جریمه اضافه برداشت، می‌پردازنند، هزینه تمام شده پول برای بانک‌ها بالا می‌رود. این موضوع باعث می‌شود بانک‌ها برای جبران هزینه‌های خود، اغلب با استفاده از ترفندهای مختلف، سود تسهیلات پرداختی را در عمل فراتر از نرخ‌های مصوب تعیین کنند که در نهایت، هزینه تأمین مالی افزایش می‌یابد.

را به درستی جهت‌دهی نمی‌کنند، لازم است به منظور تخصیص مناسب منابع، نظارت و برنامه‌ریزی منسجم در دستور کار قرار گیرد. نداشتن استراتژی مشخص در سرمایه‌گذاری باعث شده است در سال‌های اخیر سرمایه‌های هنگفتی از کشور به سرمایه‌گذاری‌های یکسان و تولید کالاهای مشابه تخصیص یابد که بسیاری از این کالاهای کالاهای مصرفی بوده و به صورت مازاد در واحدهای تولیدی باقی‌مانده است. در حالی که نیاز اصلی کشور تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده است و این نیاز می‌توانست با برنامه‌ریزی منسجم و جهت‌دهی صحیح سرمایه‌گذاری داخلی برطرف شود.

- **افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری:** داشتن نرخ تورم بالا و کاهش ارزش پول ملی از دلایل کاهش سرمایه‌گذاری و عدم رغبت فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری بوده است. در سال‌های گذشته، داشتن تورم بالا و افزایش شدید نرخ ارز باعث افزایش هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری شده که این مسئله کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به دنبال داشته است. علاوه بر تأثیر منفی افزایش تورم بالا و افزایش نرخ ارز بر سرمایه‌گذاری دولتی، اعمال تحریم‌های بین‌المللی و کاهش محسوس درآمدهای ارزی، باعث کاهش درآمدهای دولت و فشار بر بودجه دولت شده که این موضوع به کاهش سرمایه‌گذاری دولتی منجر شده است.

۳- ملاحظات امنیت اقتصادی

سرمایه‌گذاری بهینه و کارآیکی از عوامل اصلی و تضمین‌کننده رشد اقتصادی پایدار در هر کشوری به شمار می‌آید. از سوی دیگر، رونق سرمایه‌گذاری به عنوان یک فرآیند بلندمدت خود تحت تأثیر عوامل

سرمایه‌گذاری می‌شود و ممکن است فرآیند سرمایه‌گذاری را با تعویق همراه کند.

علاوه بر موارد یادشده، مادام که اقتصاد با نرخ تورم بالا و افزایش نرخ ارز و نوسانات آن مواجه می‌شود، بازده فعالیت‌های غیرمولد نسبت به فعالیت‌های مولد افزایش می‌یابد که این موضوع باعث سفت‌بازی و هدایت منابع و اعتبارات به سمت بخش نامولد می‌شود و از این‌رو، تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری و تولید خواهد داشت.

- **فقدان نگاه بلندمدت و دخالت عوامل سیاسی در مقوله سرمایه‌گذاری:** اجرای پروژه‌های عمرانی و طرح‌های سرمایه‌گذاری باید با در نظر گرفتن منابع موجود برای تأمین مالی طرح‌ها براساس اولویت‌بندی نیازهای جامعه و برنامه‌های توسعه باشد. این در حالی است که در سال‌های اخیر در اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری به این موارد توجهی نشده است و در بسیاری از طرح‌ها شاهد دخالت عوامل سیاسی و منطقه‌ای از جمله نمایندگان مجلس بوده‌ایم که بدون توجه به دردسترس بودن منابع کافی برای اجرای طرح، تنها به منظور کسب محبوبیت بین عموم به اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری اقدام کرده‌اند. این موضوع علاوه بر تحمل هزینه‌های مالی به کشور، تأخیر در اجرای طرح‌ها را به دنبال دارد و ممکن است بسیاری از طرح‌ها به دلیل تأخیر زمانی از صرفه اقتصادی خارج شوند.

- **نداشتن استراتژی مشخص در سرمایه‌گذاری:** نبود برنامه‌ریزی و جهت‌دهی مناسب سرمایه‌گذاران در کشور یکی از موانع و چالش‌های سرمایه‌گذاری داخلی است. با توجه به آنکه در اقتصاد ایران قیمت‌ها تخصیص منابع



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری داخلی کشور نشان می‌دهد که طی یک دهه اخیر روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص افت محسوسی را تجربه کرده که این موضوع تحت تأثیر افت سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی بوده است. با وجود این، میزان کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی بسیار محسوس‌تر بوده و با توجه به بیشتر بودن سهم سرمایه‌گذاری خصوصی از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، دلیل عمده کاهش سرمایه‌گذاری طی این سال‌ها به کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط می‌شود. سرمایه‌گذاری خصوصی طی ۱۰ سال اخیر از ۱۱۴/۴ هزار میلیارد تومان به ۷۵/۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری دولتی در سال ۱۳۸۸ معادل ۴۱/۴ هزار میلیارد تومان بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۲۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته که این، پایین‌ترین میزان سرمایه‌گذاری دولتی در یک دهه گذشته است، اما با توجه آنکه سرمایه‌گذاری دولتی به‌طور عموم در زیرساخت‌ها صورت می‌پذیرد، می‌توان بخشی از کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی را متأثر از کاهش سرمایه‌گذاری دولتی طی یک دهه اخیر دانست. از مهم‌ترین دلایل نزولی بودن روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص می‌توان به: عدم تحقق مخارج عمرانی دولت، کسری بودجه دولت و محدود شدن اعتبارات در دسترس بخش خصوصی، بی‌ثباتی اقتصادی و بالا بودن میزان ریسک و ناطمینانی در اقتصاد کشور و فقدان نگاه بلندمدت و دخالت

مختلف اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. از این‌رو، ارتباط بین امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری اقتصادی دوسویه است، فقدان امنیت و ثبات اقتصادی می‌تواند به خروج سرمایه از کشور منجر شود و کاهش سرمایه‌گذاری داخلی را به همراه داشته باشد و در مقابل، عدم سرمایه‌گذاری بهینه و کارآ در هر کشوری می‌تواند به امنیت اقتصادی آن آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کند. کاهش سرمایه‌گذاری داخلی باعث می‌شود بخشی از ظرفیت تولید بالقوه مورد استفاده قرار نگیرد و از این‌رو، به بیکار ماندن بخشی از عوامل تولید از جمله نیروی کار منجر می‌شود. بیکاری نیروی کار علاوه بر هزینه‌های اقتصادی زیادی که برای اقتصاد کشور به همراه دارد، تبعات اجتماعی سنگینی نیز به دنبال خواهد داشت که این موضوع می‌تواند باعث تشدید تبعات اقتصادی شود و امنیت اقتصادی را با مخاطره روبرو کند. در واقع، کاهش سرمایه‌گذاری به عدم ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب با جمعیت در حال افزایش منجر می‌شود که علاوه بر هزینه‌های اقتصادی‌ای که بر کشور تحمیل می‌کند، می‌تواند آثار و تبعات اجتماعی و سیاسی نامطلوبی مانند افزایش جرم و جنایت، افزایش نارضایتی عمومی و اعتراضات سیاسی را به دنبال داشته باشد. همچنین به دنبال کاهش سرمایه‌گذاری و تضعیف بنیه تولید، کشور ناچار به تأمین برخی کالاهای از طریق واردات می‌شود و تداوم این روند به وابستگی بیشتر به واردات منجر خواهد شد. یکی از آثار منفی این موضوع آن است که تأثیرپذیری اقتصاد کشور از شوک‌های خارجی و تحريم‌ها بیشتر خواهد شد و این مسئله تهدیدی برای امنیت اقتصادی کشور به شمار می‌رود.

موضوع، کاهش اعتبارات دردسترس بخش خصوصی را به همراه داشته که از این طریق تأثیری منفی بر سرمایه‌گذاری خصوصی گذاشته است. از این‌رو، کاهش کسری بودجه می‌تواند از طریق کاهش استقراض دولت از نظام بانکی، بخشی از مشکل تأمین منابع مالی مورد نیاز بخش خصوصی را مرتفع کند. برای کاهش کسری بودجه پیشنهاد می‌شود دولت تمرکز خود را بر کاهش آن بخش از مخارج جاری، مانند یارانه دهکهای درآمدی بالا که قابلیت کاهش دارند، قرار دهد.

- کترل نوسانات نرخ ارز و تورم برای کاهش ریسک و ناطمنی در کشور: نوسانات نرخ ارز و تورم از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده ریسک و ناطمنی در اقتصاد هستند که در سال‌های اخیر به‌وضوح تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری داخلی داشته‌اند. از این‌رو، اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی ثبات‌گرا از طریق کترل نقدینگی می‌تواند به کترل نوسانات نرخ ارز و تورم منجر شود که این موضوع چشم‌انداز مثبتی را پیش روی سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد و موجب افزایش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری می‌شود.

- ایجاد ثبات سیاسی در کشور: ایجاد اعتماد، آرامش و فضای باثبات سیاسی باعث کاهش ناطمنی می‌شود که در نتیجه، می‌تواند ترغیب فعالان اقتصادی را به سرمایه‌گذاری به دنبال داشته باشد. در مقابل، دعواهای سیاسی و فضای پرتنش سیاسی موجب ایجاد ناطمنی و خروج سرمایه از کشور می‌شود که این موضوع کاهش سرمایه‌گذاری را به همراه دارد. از این‌رو، پرهیز از دعواهای سیاسی و چندگانگی در مدیریت و تصمیم‌گیری مسایل اقتصادی و حفظ ثبات سیاسی در کشور از طریق اجماع در بین مسئولان کشور، پیشنهاد می‌شود.

عوامل سیاسی در مقوله سرمایه‌گذاری، اشاره کرد. از این‌رو، به‌منظور بهبود روند سرمایه‌گذاری پیشنهادهای زیر ارایه می‌شوند:

- افزایش میزان تحقق بودجه عمرانی کشور: سرمایه‌گذاری دولتی علاوه بر تأثیر مستقیم بر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، به‌واسطه فراهم کردن زیرساخت‌های فیزیکی نقش مؤثری در حضور پررنگ‌تر بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی دارد. با این حال، در سال‌هایی که دولت با کسری منابع مواجه است شاهد عدم تحقق کامل مخارج عمرانی بوده‌ایم، به‌طوری که روند آن طی سال‌های اخیر کاهشی بوده و این، به معنای کاهش سرمایه‌گذاری دولتی است. از این‌رو، افزایش میزان تحقق بودجه عمرانی یکی از راهکارهایی است که می‌تواند افزایش سرمایه‌گذاری را به همراه داشته باشد.

- محدود کردن فعالیت‌های بخش غیرمولد: ریسک پایین و بازده بالا در بازارهای مانند سکه، طلا و ارز موجب شده است در سال‌های اخیر هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد افزایش یابد و به همین دلیل، بخش زیادی از منابع مالی جامعه به سمت این بخش‌ها هدایت شده است. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود با نظارت بیشتر بر بخش‌های نامولد، از گسترش این بخش‌ها جلوگیری شود تا از این طریق منابع مالی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری تأمین شود.

- کاهش کسری بودجه: در سال‌های اخیر شاهد این موضوع بوده‌ایم که به دنبال کسری بودجه - که به‌طور عمده نشأت گرفته از هزینه‌های جاری بوده است - دولت به استقراض از نظام بانکی اقدام کرده و این

